

عدالت‌مداری در تعدّد زوجات از منظر متون اسلامی

محمدحسین خواجه بمی*

چکیده

رعایت عدالت در چندهمسری، یکی از گزاره‌های اخلاقی مهم در حیطه خانواده است. از نظر قرآن کریم چندهمسری جایز است؛ هرچند با اصلاح و تعدیل، به حداکثر چهار زن دائم محدود است. همچنین قرآن کریم، حصول اطمینان از برقراری عدالت میان همسران را شرط اساسی تعدّد زوجات قرار داده است. هدف از این مقاله تبیین عدالت‌مداری در تعدّد زوجات است. روش پژوهش، تحلیلی-توصیفی و اسنادی است. در این مقاله براساس آیات مربوط به چندهمسری، مفهوم عدالت در خانواده از نظر قرآن و روایات بررسی شده است.

یافته‌های پژوهش گویای آن است که قسم و نفقه، مهم‌ترین موارد عدالت ظاهری در روایات معصومان علیهم‌السلام است و عدالت باطنی - که عدالت در محبت قلبی و امری غیراختیاری و بیرون از اراده انسان است - جزو شروط عدالت در چندهمسری شمرده نشده است. بنابراین، اسلام تعدّد زوجات را بر هرکسی واجب نکرده است، بلکه با توجه به طبیعت افراد و از روی مصلحت اجتماع انسانی، تعدّد را جایز دانسته و آن را به عدالت مقید کرده است تا تمام مفاسد را در این امر بردارد.

* استادیار پژوهشی گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی کرمان.



واژه‌گان کلیدی

عدالت، تعدّد زوجات، قسم، نفقه، محبت قلبی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و عام‌ترین گزاره‌های اخلاقی در روابط اجتماعی، به‌ویژه در حوزه خانواده و روابط زوجین، مفهوم عدالت است. عدالت نه تنها در روابط اجتماعی اهمیت زیادی دارد، بلکه به‌گونه‌ای است که حُسن عدالت و ضرورت رعایت آن در همه نظام‌های ارزشی پذیرفته شده است. بعضی از اندیشمندان معاصر برآنند که حُسن عدالت و درمقابل آن، قبح ظلم از مستدرکات بدیهی عقل عملی و از سنخ قضایای تحلیلی هستند که محمول آن‌ها از تحلیل موضوعاتشان استنتاج می‌شود. مشکل اصلی در مبحث عدالت و ظلم، فراتر از مفهوم، در تعیین مصداق آن‌هاست (نک: مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۱۲۹). بنابراین، آنچه مهم است تشخیص مصداق‌های عدل است. بعد از شناسایی هر مورد می‌توان با ضمیمه کردن آن به کبرای کلی و خوب عدالت، و خوب آن را نتیجه گرفت (نک: شرف‌الدین، ۱۳۹۶: ۱۳۴). عدالت در مفهوم وسیعش، حق خدا بر انسان، حق انسان بر انسان و حق انسان بر خود را شامل می‌شود. محور مباحث در این پژوهش، حق انسان بر انسان، صرفاً در حوزه روابط زوجین در چندهمسری است.

افزون بر مقوله رعایت عدالت، با توجه به وجود نزدیک به دو و نیم میلیون زن بیوه و دخترانی که سن ازدواج آنان گذشته است، بررسی مبحث چندهمسری ضروری به نظر می‌رسد. مقاله حاضر می‌کوشد با بازخوانی مفهوم عدالت در روابط زوجین از نظر قرآن کریم و متون روایی، مصادیق عدالت‌مداری را در روابط زوجین ترسیم کند؛ ضمن آنکه در میان مباحث به بعضی از تفکرات نواندیشی افراطی در موضوع تعدّد زوجات پاسخ داده شده است. روش در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. در این مقاله، ابتدا مفهوم عدالت و اقسام آن تبیین شده و بعد آیات مربوط به چندهمسری بررسی گردیده و سپس با توجه به متون روایی، عدالت در چندهمسری و اقسام آن تشریح شده است.



مفهوم‌شناسی

پیش از تبیین مسئله عدالت‌مداری در تعدّد زوجات، باید مفهوم عدالت، اقسام عدالت و تعدّد زوجات تبیین گردد.

عدالت

شماری از لغویان، «عدل» را به معنای سخن و حکمی دانسته‌اند که مورد خشنودی مردم باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۸). ابن فارس می‌نویسد: «عدل» دو ریشه صحیح دارد؛ اما معانی آن‌ها در برابر هم قرار دارد: ۱. برابری؛ ۲. انحراف و کژی (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۲۴۷). بعضی دیگر از لغویان عدل را تعادل و تناسب و تساوی تعریف کرده‌اند (نک: فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۳۹۶؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ۵۵۱). بعضی لغویان معاصر هم عدالت را مساوات در مکافات نیکی به نیکی و بدی به بدی دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۶۱: ذیل واژه «عدالت»). ارسطو در کتاب اخلاق نیکوماخوس، بر مبنای نظریه حد وسط، عدالت را حد وسط عمل ظالمانه (ظلم) و مورد رفتار ظالمانه (انظلام) تعریف کرده است (ر.ک: ارسطو، ۱۳۸۵: ۱۶۹).

صاحب کتاب التحقیق، عدل را حد وسط افراط و تفریط می‌داند؛ به گونه‌ای که در آن هیچ نقصان و زیاده‌ای نباشد (نک: مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۵۵). علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه چنین تعریفی را تعریف به لازمه می‌داند. وی در تعریف عدل، ضمن وفادارماندن به اقوال فلاسفه سلف، معتقد است: «عدل، لزوم وسط و دوری از افراط و تفریط در امور است. این تعریف، تعریف به لازمه است؛ زیرا عدل اقامه مساوات و موازنه میان امور است به اینکه به هر امری آنچه سزاوار است، داده شود. در نتیجه، همه امور در جایگاهی که شایسته آن است، قرار گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۳۳۱).

شهید مطهری در تبیین قلمرو معنایی عدالت می‌نویسد:

«عدالت عبارت است از اینکه آن استحقاق و آن حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است، به او داده شود. عدالت نقطه مقابل ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد، به او ندهند و از او بگیرند و نقطه





مقابل تبعیض است که دو فرد که در شرایط مساوی قرار دارند، یک موهبتی را از یکی دریغ بدارند و از دیگری دریغ ندارند» (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۵۹).

امام علی علیه السلام، به منزله تمثال واقعی عدالت، می فرماید:

«الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَ الْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا؛ عدالت هر چیزی را در جای خود می نهد؛ درحالی که بخشش آن را از جای خود خارج می کند» (شریف رضی، بی تا: حکمت ۴۳۷، ۳۷۸ و ۳۷۹).

گفتنی است که عدالت با انصاف متفاوت است. انصاف به معنای عدل و اعطای حق و استیفای عادلانه آن و رفتار برابر با طرفین دعوی است (نک: ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۳۳۱). درحقیقت، انصاف، بخشیدن نصف و نیمه چیزی است؛ اما عدل ممکن است این گونه نباشد یا کمتر از آن باشد؛ مثلاً وقتی دست سارق را قطع می کنند، گفته می شود که بر او عادلانه حکم کردند و نمی توان گفت حکم منصفانه است. اصل در انصاف، نصف چیزی، بی کم و زیاد، است (نک: عسکری، ۱۴۰۰ق: ۲۲۸).

از تعریف های ارائه شده درباره عدالت معلوم می گردد همه در معنای این واژه به مساوات و موازنه معتقد هستند. به عبارتی کلی تر، عدالت یعنی اعطای آنچه شایسته هر امری است تا هریک در جای واقعی خود که مستحق آن است، قرار گیرد. پس، همه افراد باید هم حق خود را مراقبت کنند و هم به حقوق دیگران احترام بگذارند. هرگونه انحراف، افراط، تفریط، تجاوز از حد و تجاوز به حقوق دیگران، برخلاف اصل عدل است. البته میزان این حد و حقوق به موضوع مورد نظر بستگی دارد؛ یعنی ممکن است عدالت درباره یک شخص حدی داشته باشد و درباره شخص دیگر، حدی دیگر.

اقسام عدالت

عدالت را می توان به دو گونه الهی و غیرالهی تقسیم کرد. عدالت الهی خود بر سه قسم است: الف) عدالت تکوینی: خداوند متعال به هر کس به اندازه استحقاقش، وجود و استعداد و کمالات وجودی عطا می کند: ﴿الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ﴾ (انفطار: ۷)؛ ب) عدالت تشریحی: خداوند متعال در هر زمانی به وسیله انبیا و اوصیا آنچه را موجب رشد و کمال انسانهاست به آنها

گوشزد می کند و اسباب سعادت دنیا و آخرت را برای آنها فراهم می سازد، نه اینکه آنان را به آنچه مقدورشان نیست مکلف کند (ر.ک: بقره: ۲۸۶) یا آنچه را مایه سعادتشان است از آنان دریغ کند (اسراء: ۱۵)؛ ج) عدالت جزایی: خداوند درباره پاداش میان نیکوکاران و ستمکاران فرق می گذارد؛ یعنی هر کس را برای عملش پاداش می دهد (زلزله: ۷ و ۸).

عدالت غیرالهی نیز بر دو قسم است: الف) عدالت فردی: شخص خود را در بند احکام شرع و شریعت می داند و خویشتن را به اخلاق اسلامی متخلّق می سازد (دستی، بی تا، ج ۷: ۲۹۱). موضوع مبحث، حق انسان بر انسان در حوزه خانواده و روابط زوجین است و به همین دلیل، در حوزه عدالت فردی جای می گیرد؛ ب) عدالت اجتماعی: فرد درباره دیگران با عدالت رفتار کند و به کسی ستم روا ندارد. این صفت بیشتر به زمامداران حکومت مربوط می شود (همان جا).

تعدد زوجات

این اصطلاح به معنای نوعی ازدواج است که داشتن بیش از یک زن را برای مرد مجاز می شمرد و به مفهوم زناشویی مرد با بیش از یک زن است. حد این تعدّد در اسلام چهار زن است. گاهی از تعدّد زوجات با عنوان «چندهمسری» نیز یاد می شود. در اصطلاح حقوقی، تعدّد زوجات، داشتن بیش از یک زوجه است؛ خواه به عقد دائم یا منقطع یا به وسیله هر دو نوع عقد باشد.

ضرورت التزام به عدالت در روابط زوجین

قرآن کریم همه را به عدالت فرامی خواند (نحل: ۹۰). هر مکلفی در هر کاری باید قسط و عدل را رعایت کند؛ چون قسط و عدل از اوصاف فرد یا گروهی خاص نیست، بلکه هر مسلمانی باید واجبات را انجام دهد و محرمات را ترك کند. شاید کمتر مسئله ای هست که قرآن تا این اندازه به آن اهمیت داده باشد؛ تا جایی که از آن به منزله یکی از اهداف رسالت پیامبر اسلام ﷺ نام برده است (حدید: ۲۵). از نظر قرآن کریم، عدالت، نزدیک ترین راه برای نیل به تقوا و کمالات انسانی است (مائده: ۸).



تحصیل عدل بر همگان، به ویژه بر مردانی که چند همسر دارند، واجب است؛ زیرا رعایت عدالت در این گونه موارد همانند شرط استطاعت در حج نیست که «حصولی» باشد - یعنی اگر دارای ملکه عدالت بود، رعایت عدل در حقوق همسران لازم باشد و اگر فاقد آن بود، رعایت عدل واجب نباشد - بلکه «تحصیلی» است. پس هر که توان تحصیل عدالت را نداشته باشد، حق ندارد ازدواج متعدّد انجام دهد. گفتنی است توانمندی در رعایت عدالت از راه مراجعه به درون خویش و شناخت خود و اندازه پرهیزگاری است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۲۶۴).

رعایت عدالت و رفتار یکسان با همسران، در دو امر لازم است:

۱. هزینه کردن مطابق با شئون زن و به مقدار متعارف؛ یعنی از حد معروف و متعارف کمتر نباشد. پس، احسان و هزینه کردن زیادتر از مقدار متعارف برای بعضی از زنان اشکال ندارد: ﴿فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ﴾ (بقره: ۲۳۱). «معروف» مقدار متعارفی است که عقل و نقل آن را پسندند؛ یعنی اگر کسی خوراک، پوشاک، مسکن و سهم مخصوص هر یک از همسرانش را به مقدار متعارف پردازد و چیزی کم نگذارد که ستم باشد، ولی بنا بر مصلحتی به بعضی از آنها بیشتر از حد متعارف بدهد، بعید است چنین کاری حرام باشد؛ زیرا محور آیه یادشده وجوب رعایت «عدالت» است، نه «تعادل» در احسان. این دو با هم فرق دارند و احسان برتر از عدل است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (نحل: ۹۰).

۲. رعایت قسط و عدل در محدوده مادیات و حقوق همسری؛ مانند تأمین هزینه زندگی، مسکن، پوشاک و مراعات امور زناشویی، نه در گرایش و محبت های قلبی؛ چون رعایت این گونه امور هر چند خواسته جدی انسان باشد، در اختیار او نیست. البته مرد نباید فقط به یکی از زنان گرایش یابد، به گونه ای که زنان دیگر همچون زن بی شوهر باشند: ﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً﴾ (بقره: ۱۲۹) (ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۵۵).



از روایات اسلامی برمی آید که نخستین کسی که بر اجرای عدالت در آیه سوم سوره نساء ایراد گرفت، «ابن ابی العوجاء» از مادی گرایان معاصر امام صادق علیه السلام بود. او این ایراد را با «هشام بن حکم» در میان گذاشت. او که جوابی برای این سؤال نیافته بود، از شهر خود که ظاهراً کوفه بود به سوی مدینه حرکت کرد و به خدمت امام صادق علیه السلام رسید. وی به امام عرض کرد که چنین سؤالی پیش آمده که تعدّد زوجات مشروط به عدالت است و عدالت هم که ممکن نیست؛ بنابراین تعدّد زوجات در اسلام ممنوع است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«منظور از عدالت در آیه سوم سوره نساء، عدالت در نفقه و رعایت حقوق همسری و طرز رفتار و کردار است؛ اما منظور از عدالت در آیه ۱۲۹ سوره نساء که امری محال شمرده شده، عدالت در تمایلات قلبی است.» هنگامی که هشام از سفر بازگشت و این پاسخ را در اختیار ابن ابی العوجاء گذاشت، او سوگند یاد کرد که این پاسخ از خود تو نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۶۲).

براین اساس، عدالتی که مراعات آن از قدرت انسان بیرون است، عدالت در تمایلات قلبی است و این از شروط تعدّد زوجات نیست. آنچه از شروط است، عدالت در جنبه‌های عملی است.

همچنین، در متون روایی معصومان علیهم السلام مقصود از عدالت در آیه ۱۲۹ سوره نساء، عدالت در مودّت دانسته شده است (ر.ک: همان، ج ۵: ۳۶۳). در حقیقت، میل به یک زن برخاسته از طبیعت انسانی مرد است؛ از این رو، عدالت در علاقه قلبی که خارج از توان مرد است، بر وی واجب نشده است که در این صورت «تکلیف ما لایطاق» خواهد بود. بدان دلیل که محبت قلبی، عوامل مختلفی دارد که بعضاً از اختیار انسان بیرون است، مرد به رعایت عدالت در این باره امر نشده است؛ اما رعایت عدالت در اعمال و رفتار و ادای حقوق در میان همسران امکان پذیر است و در شرع بر آن تأکید شده است. خداوند در ادامه آیه ۱۲۹ سوره نساء می فرماید: «اکنون که نمی توانید مساوات کامل را از نظر محبت، میان همسران خود رعایت کنید، لاقلاً تمام تمایل قلبی خود را متوجه یکی از آنان نسازید که دیگری بلا تکلیف و حقوق او عملاً ضایع شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۵۳ و ۱۵۴).





عدالت در چندهمسری از دیدگاه قرآن کریم

اجرای عدالت در مبحث چندهمسری موضوعی است که از گزاره‌های اخلاقی قرآن محسوب می‌شود و افراد باید به آن ملتزم باشند. قرآن کریم ازدواج را به چهار زن محدود کرد؛ زیرا در میان اعراب ازدواج با هر تعداد زن، امری معمول بود و از حقوق مردان به‌شمار می‌رفت (علی، بی‌تا، ج ۴: ۶۳۳). اسلام چندهمسری را تأیید کرده و قرآن به‌صراحت آن را جایز دانسته است؛ هرچند با اصلاح و تعدیل، آن را به حداکثر چهار زن دائم محدود و بیش از آن را ممنوع کرد (طوسی، ۱۳۸۸ق، ج ۴: ۲۹۳) و حصول اطمینان از برقراری عدالت بین همسران را شرط اساسی این مسئله قرار داد. قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾ (نساء: ۳). خداوند در ادامه سوره نساء به رعایت مقدار واجب عدالت بین همسران متعدّد اشاره دارد: ﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُضْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا﴾ (نساء: ۱۲۹).

در آیه نخست، خداوند به اهمیت برقراری عدالت توزیعی در نهاد خانواده در قالب چندهمسری تصریح دارد؛ لذا مشروعیت تعدّد زوجات در گرو اطمینان به اجرای عدالت توزیعی میان آنان است و این مسئله اهمیت رعایت عدالت را در روابط خانوادگی افاده می‌کند. در آیه دوم، خداوند مردان را از رعایت کامل عدالت میان همسران متعدّد خویش ناتوان می‌داند. در حلّ این تعارض باید به توضیح آیات و ادلّه روایی در این موضوع پرداخت.

«قسط» به معنای جزء مساوی است. قسط با عدل مرادف نیست و با آن در مفهوم فرق دارد؛ اما به آن نزدیک است. در آیه ﴿أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ﴾ (الرحمن: ۹)، بالقسط یعنی بالعدل. عدل، وصف شخص و کاری است که درباره آن انصاف رعایت شده است؛ اما قسط افزون بر آنکه به معنای عدل نزدیک است، مفهوم سهم را هم دربردارد و وصف چیزی است که به چند جزء قسمت می‌شود. بنابراین، «قسط» به معنای سهم است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۳۷۷)؛ اما «قسط» (به فتح اول) به معنای ستم است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۸۶) و «قاسط» به معنای ستمگر: ﴿وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ﴾ (جن:

۱۴؛ و نیز ر. ک: جن: ۱۵)؛^۱ از این رو، قسط یعنی حق کسی را به دیگری ندهد و تبعیض روا ندارد.

شأن نزول آیه ۳ سوره نساء این است که شماری از مردان عرب به طمع تصاحب ثروت دختران یتیم با ایشان ازدواج می کردند؛ اما حقوق ایشان را در مهریه، تأمین هزینه های زندگی و مانند آن رعایت نمی کردند و گاهی بعد از تصاحب اموالشان آنان را از خانه بیرون می کردند؛ در حالی که نه مالی برای آن ها مانده بود که خود را اداره کنند و نه دیگر کسی به ازدواج با ایشان رغبت می کرد. قرآن کریم در ستیز با این روش های ظالمانه، با تعبیرهایی قهرآمیز مردم را از تصرف ظالمانه در اموال ایتام و تضييع حقوق آنان بازداشته است؛ بدین معنا که اگر کسی به مراعات قسط و عدل، علم یا اطمینان ندارد، به ازدواج با دختران یتیم نیندیشد و از آن پرهیزد و با زنان و دختران پاک و حلال غیر یتیم ازدواج کند. در ادامه، به جواز ازدواج دائمی با دو یا سه یا چهار زن، در صورت توانایی مرد بر رعایت عدالت بین همسران دستور می دهد؛ و گرنه معذور نخواهد بود (ر. ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۱۶۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۲۴۴ و ۲۴۵).

اصل نکاح و نیز تعدد آن در صورت وثوق به اجرای عدالت جایز است، نه واجب و همانند تحلیل اصل نکاح که ضرورتی اجتماعی است، تجویز تعدد ازواج نیز ضرورت دارد؛ زیرا نیروی شهوت جنسی در مردان بیش از زنان است و باید از راه درست ارضا شود تا به سوی تعدی و فجور و فحشا نروند. از سوی دیگر، در حوادث، جنگ ها و جنایات، مردان بیش از زنان قربانی می شوند. همچنین، آمادگی مرد برای تولیدمثل، سال ها بیش از زنان است. رشد فکری، بلوغ جنسی، آمادگی و صلاحیت برای ازدواج در دختران زودتر از پسران است و از این رو، شمار دختران آماده ازدواج بیش از پسران است. همچنین، باید توجه داشت که اسلام بنیان زندگی و جامعه اسلامی را بر عقل نهاده است، نه فقط بر عاطفه. اسلام زن را به گونه ای می پروراند و غیرت غریزی و طبیعی احتمالی او را با فطرت تعدیل و هماهنگ می کند که از تعدد زوجات با رعایت کامل قسط و عدل نمی رنجد و عواطف او جریحه دار نمی گردد.

۱. از این رو، به معاویه و پیروان ستمگر او «قاسطین» می گویند.





معیار ارزیابی و کرامت در اسلام، تقواست (حجرات: ۱۳)، نه تعدد زوجات تا به استناد جواز آن، ارزش يك مرد برابر چند زن پنداشته شود. ازدواج، خرید و فروش نیست که دو طرف معامله از نظر قیمت و تعداد با هم سنجیده شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۲۳۸؛ نیز ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۵۷).

صاحب تفسیر التبیان مقصود آیه را این دانسته که کسی که توان رعایت عدالت بین همسران را دارد، مجاز است که با دو یا سه یا چهار زن ازدواج کند؛ بنابراین، سخن کسی که می گوید ازدواج با «نه» زن جایز است، خطا و خلاف اجماع است (طوسی، بی تا، ج ۳: ۱۰۷). از این رو، تمسک به عمل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه بی اساس است؛ زیرا آن از مختصات نبی اکرم صلی الله علیه و آله بوده است.

علامه طباطبایی معتقد است اگر تعدد زوجات قانون و ضابطه نداشت، می توانست مورد اشکال قرار گیرد؛ ولی اسلام بر مرد صاحب همسران متعدّد شرط کرده است که در معاشرت با زنان عدالت را رعایت و بستر زناشویی را بین آنان عادلانه قسمت کند و همچنین، هزینه عادلانه زندگی زنان و فرزندانشان را بر او واجب کرده است. بدیهی است رعایت عدالت بین همسران، تأمین متساوی هزینه زندگی زنان متعدّد و فرزندان آنها و نیز رعایت مساوات در معاشرت، برای همگان میسر نیست و در هر جامعه فقط افرادی خاص می توانند این شروط را فراهم کنند که طبعاً تعدد ازواج برای آنان مجاز است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۱۶۷).

امروزه با توجه به گسترش مباحث فمینیستی و نیز نواندیشی، بعضی از اندیشمندان روش افراط را در پیش گرفته و با توجه به آموزه های قرآنی به تعدد زوجات اشکال وارد کرده اند. «نصر حامد ابوزید»^۱ با توجه به بافت تاریخی و زبانی قرآن (نساء: ۳ و ۱۲۹)، چندهمسری را حکم شرعی ندانسته، بلکه آن را سامان بخشیدن به سنت جاهلی و مربوط به بازماندگان جنگ اُحد پنداشته است (ر.ک: ابوزید، ۲۰۰۷م: ۱۷۲؛

۱. وی اندیشمند معاصر مسلمان و از نواندیشان افراطی است که با تأثیرپذیری از پدیده مدرنیسم به موضوع زن و حقوق او پرداخته است. او با انتشار مقاله ای با عنوان «دوائر الخوف قراءة فی خطاب المرأة» کوشیده با گفتمان و نگرشی نو درباره مباحث مربوط به زنان و شبهات وارد بر آن سخن بگوید.

علی‌خانی، ۱۳۸۲: ۱۱). درمقابل، هواداران چندهمسری این مسئله را در بافت جدلی تبیین می‌کنند و بر این باورند که چندهمسری در مقایسه با آزادی جنسی در غرب از نظر اخلاقی بهتر و از نظر اجتماعی کم‌زیان‌تر است. نواندیشان این مقایسه را برپایه قیاس اسلام با غرب انجام داده‌اند؛ درحالی که این منطق با طرح نواندیشی اسلام که متفاوت از غرب است، سازگار نیست (ر.ک: ابوزید، ۲۰۰۷م: ۱۸۶). براین اساس، جریان نواندیشی افراطی معتقد است اسلام تعدّد زوجات را نه تنها مجاز، بلکه آن را حرام می‌داند.

روشن است اگر مبحث تعدّد زوجات به بازماندگان جنگ اُحد اختصاص داشت (ر.ک: واحدی، ۱۴۱۱ق: ۱۴۷)، آیه در ردیف آیات منسوخ قرار می‌گرفت. در این صورت، تکلیف موارد مشابه جنگ اُحد در زمان‌های بعد چه می‌شود؟ همچنین، اگر زنی طی زندگی دچار بیماری شود و دیگر ادامه زندگی مرد با او مقدور نباشد، ازدواج مجدد مرد می‌تواند نتیجه مطلوب‌تری برای زن اول نیز داشته باشد؛ ازاین‌رو، تعدّد زوجات نه تنها ظلم به زن نیست، بلکه در جهت حفظ حقوق زن و رعایت عدالت درباره اوست و مصالح کلی زنان در تعدّد زوجات است. کلام خداوند برخاسته از علم جامع او به همه چیز، از جمله آینده است. هرچند ارتباط متن با واقعیت جامعه برقرار است، این ارتباط موجب خطا و اشتباه نیست؛ زیرا در غیر این صورت، فلسفه دین و ارسال انبیا، لغو خواهد شد.

تبیین مفهوم عدالت در آیات مربوط به تعدّد زوجات در پرتو روایات اهل بیت علیهم‌السلام

در آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، شارع مقدس به صراحت مقصود از عدالت را بیان نکرده است، لذا باید به سراغ روایات ائمه علیهم‌السلام که مهم‌ترین مبنا و منابع تفسیر آیات الهی هستند، رفت. با تعمق و تأمل در روایات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معصومان علیهم‌السلام دو نوع عدالت در امر تعدّد زوجات مدّ نظر است: عدالت ظاهری و عدالت باطنی که در این بخش به تبیین و بررسی آن‌ها می‌پردازیم.



عدالت ظاهری

با توجه به کلام پیامبر ﷺ و معصومان عليهم السلام، مقصود از عدالت در تعدّد زوجات، عدالت در تمام امور زندگی مشترک نیست، بلکه تنها رعایت عدالت در قسّم و نفقه را شامل می‌شود که از آن می‌توان به عدالت ظاهری تعبیر کرد.

قسّم

مقصود از قسّم آن است که مردی که چند همسر دارد، شب‌های خود را میان همسرانش قسمت کند. این حق، به دلیل اشتراک ثمره آنکه استمتاع هر یک از زوجین از دیگری است، حق مشترک میان زوج و زوجه است. هرگاه این کلام درباره تعدّد زوجات گفته شود، به معنای حق همخوابگی است که مرد درباره همسران خود به عهده دارد. از هر چهار شب یک شب به زن دائمی مرد اختصاص پیدا می‌کند و سه شب دیگر به خود مرد تعلق دارد. پس اگر مردی چهار همسر داشته باشد، از این چهار شب، دیگر شبی برای او باقی نخواهد ماند؛ زیرا به هر یک از آنان یک شب اختصاص پیدا می‌کند. قسّم شامل یکی از موارد وجوب تسویه بین همسران متعدّد مرد است و فقها در این باره اتفاق نظر دارند (ر.ک: حسینی مرعشی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۳۲۱).

این مسئله در متون روایی آشکارا آمده است. امام کاظم عليه السلام در پاسخ به این سؤال که «اگر مردی دو زن داشته باشد، آیا جایز است که یکی را بر دیگری برتری دهد؟» فرمود: «برای مرد چهار شب است؛ پس یکی از آن شب‌ها را برای یکی از آن‌ها قرار دهد و برای دیگری سه شب دیگر را» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۳۴۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«هرکس دو زن داشته باشد و در تقسیم (شب‌های) خود و خرجی دادن به ایشان میان آن‌ها به یکسان رفتار نکند، روز قیامت درحالی که دست‌هایش بسته و نیمی از بدنش به یک طرف کج شده است، آورده شود و به آتش رود» (همان، ج ۲۱: ۳۴۲؛ نیز ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳: ۳۶۲). در روایتی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «هر که حقوق همسرانش را رعایت نکند، در قیامت با نیمی از بدن محشور می‌شود» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۲۷۲).



براین اساس، اولاً مرد چندهمسری، حقوق بیشتری را باید رعایت کند؛ مانند حق القسم و ثانیاً، عواقب سختی برای عدم اجرای عدالت میان همسران تعیین شده است.

نفقة

یکی دیگر از حقوق زناشویی در چندهمسری و رعایت عدالت میان همسران، پرداخت نفقه است. عقد نکاح مانند هر عقد دیگری حقوق و تعهداتی در پی دارد. از جمله آثار مالی عقد نکاح، استحقاق زوجه برای نفقه و تکلیف زوج به ادای آن است. نفقه در لغت به معنای خرج، هزینه و مایحتاج معاش آمده است (نک: قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۹۷). نفقه در اصطلاح حقوق به معنای مالی است که در تأمین هزینه‌ها مصرف می‌شود (نک: مشکینی، ۱۴۲۸ق: ۵۴۴). در آیات قرآن کریم از این مسئولیت مردان به صراحت یاد شده است. در آیه ۲۳۳ سوره بقره، تهیه خوراک و پوشاک مادرانی که فرزندان خود را شیر می‌دهند، به وجهی نیکو و پسندیده به عهده صاحب فرزند (پدر) گذاشته شده است و در آیه ۳۴ سوره نساء، مردان به آن دلیل که خداوند بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده است و از آن رو که از مال خود نفقه می‌دهند، بر زنان برتری داده است (ر.ک: طلاق: ۷).

در باب نفقه زوج به زوجه، روایات بسیاری وجود دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه حجه الوداع، بعد از بیان حقوق مردان، حقوق زنان را بیان کرد و خطاب به مردان فرمود:

«زنان بر شما حقی دارند و شما بر زنان حقوقی دارید. بر شماست که خوراک و پوشاک زنان را به نیکی و شایستگی ادا کنید» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق: ۳۳).

امام صادق علیه السلام دربارهٔ وجوب پرداخت نفقه به زوجه فرمود:

«اگر کسی نفقه همسرش را اعم از خوراک و پوشاک و... نپردازد، بر امام است که آن دو را از هم جدا کند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۴۴۱).

بنابراین، اصل وجوب نفقه در شرع اسلام پذیرفته شده است. با توجه به این وجوب، اگر مردی بیش از یک زن داشته باشد، به دلیل وجوب رعایت عدالت در نفقه، باید عدالت در اجرای پرداخت نفقه را دربارهٔ تمام همسرانش رعایت کند.

گفتنی است که مقصود از میزان نفقه در تعدد زوجات، میزان واجب از نفقه است و مرد می‌تواند در اضافه بر نفقه واجب، هریک از همسران را که خواست، برتری دهد؛





گرچه در این مسئله بهتر است جانب عدالت را رعایت کند. از امام رضا علیه السلام دربارهٔ مردی که دو همسر داشت سؤال شد که «او می‌خواهد یکی از همسرانش را در خریدن لباس و هدیه بر دیگری برتری دهد، آیا عملش جایز است؟». حضرت فرمود: «اشکالی ندارد، بهتر است در رعایت عدالت بین آن دو کوشش کند» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۴۲۲). براین اساس، رعایت عدالت در میزان زیاده بر واجب، استحباب دارد و فعل اخلاقی شمرده می‌شود.

عدالت باطنی

مقصود از عدالت باطنی، عدالت درونی مرد دربارهٔ زن است که در روایات از این عدالت به «محبت و میل قلبی» تعبیر شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۶۳). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «این عدالت من است در آنچه به آن اختیار دارم و تو آگاهی به آنچه مالک آن نیستم و در اختیار من نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۳۹۵). آنچه در اختیار انسان نیست، قلب اوست؛ چراکه از مواردی است که انسان دربارهٔ آن اختیار و اراده‌ای ندارند و تکلیف به اعمال غیرارادی تعلق نمی‌گیرد. بنابراین، در موضوع عدالت میان همسران می‌توان گفت آنچه بر مرد لازم است این است که تمام میل خود را به یک همسر مخصوص نکند. علامه طباطبایی می‌نویسد:

«بر مرد واجب است که عملاً بین زنان عدل و مساوات برقرار کند، حقوق آنان را بدهد و همچنین، شایسته است که با ایشان خوش رفتاری کند و برای معاشرت با ایشان اظهار نارضایتی نکند و با آنان بدر رفتاری نکند. اینکه تمام میل را به یک طرف متمایل نکند و زن را سرگردان نگذارد، دلیل بر آن است که مقصود از عبارت ﴿وَلَنْ تَرْضَوْا عَنْهَا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَ لَوْ حَرَضْتُمْ﴾ (نساء: ۱۲۹) نفی مطلق عدل نیست که با ضمیر به آیهٔ ۳ سورهٔ نساء ﴿فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً﴾ نتیجه‌اش الغاء تعدد زوجات در اسلام باشد؛ زیرا ذیل آیه دلالت دارد که آن چیزی که نفی شده، عدل در احساس قلبی است که مرد بدون هیچ جانبداری از یک طرف، ملازم راه میانهٔ واقعی باشد و آنچه تشریح شده و قانونی است، عدالت تقریبی عملی است؛ بدون آنکه مرد یا زن در رنج بیفتند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۱۰۱ و ۱۰۲).



درمقابل، بعضی از اندیشمندان معتقدند چون رعایت عدالت میان زنان متعدد غیرممکن است، تعدد زوجات در اسلام، تعلیق به محال شده و ممنوع است (صدر، بی‌تا: ۲۰۶؛ اصفهانی، ۱۳۶۶: ۱۶۷).^۱ این تفسیر، نادرست است؛ زیرا چگونه ممکن است خداوند متعال تعدد زوجات را نخست با شرط عدالت تجویز کند و بعد از چند آیه با اعلام اینکه شما هرگز قادر به اجرای عدالت نیستید، آن را منع کند؟ چنین سخن گفتن از مردم عادی پسندیده نیست، چه رسد به خداوند متعال. بنابراین، عدالتی که مردان توانایی مراعات آن را ندارند، رعایت تساوی در عواطف و احساسات قلبی است که جزو شروط چندهمسری نیست. عدالتی که در این مسئله شرط است، تساوی در حقوقی همچون قسم و نفقه است. هرچند رعایت این نوع عدالت غیرممکن نیست، کاری بس دشوار است؛ ازاین‌رو، مسلمانان واقعی از چندهمسری پرهیز می‌کنند و جز در مواقع ضرورت به آن روی نمی‌آورند (ر.ک: صفایی و امامی، ۱۳۷۶: ۹۸). صاحب تفسیر المنار می‌نویسد:

«از تأمل در دو آیه سوره نساء معلوم می‌شود که اباحه تعدد زوجات در اسلام سخت محدود است و انگار ضرورتی است که اگر کسی به آن نیاز داشته باشد، به شرط اطمینان از اجرای عدالت و ایمن بودن از ستم به زن، برایش جایز است» (رشیدرضا، بی‌تا، ج ۴: ۳۴۹).

بهترین شیوه ازدواج در اجرای عدالت

جواز تعدد زوجات ممکن است این احساس را در جامعه به وجود آورد که ازدواج یک مرد با چهار زن، موجب کاهش ارزش زن در حد استفاده ابزاری برای بهره‌مندی جنسی مردان است. افزون بر این، ازدواج که از دیدگاه قرآن باید بستر مهر، عشق و احساسات متقابل باشد (روم: ۲۱)، گاهی موجب بی‌توجهی و آسیب عاطفی به زن اول می‌شود؛ چنانکه وی خود را در برآوردن نیازهای عاطفی و جنسی همسر ناتوان می‌پندارد و دچار ضعف عزت نفس، احساس بی‌وفایی، خیانت، هواپرستی و گناه نفرت می‌شود. پیامد این آسیب، احساس یأس و ناامیدی به آینده و به‌خطرافتادن آرامش روانی زن و در نتیجه

۱. برای تفصیل درباره موضوع آسیب‌شناسی تعدد زوجات ر. ک: طباطبایی، بی‌تا: ۴۴ به بعد؛ و نیز ر. ک: مطهری، ۱۳۵۷ ش: ۳۹۹؛ فضل‌الله، ۱۳۸۴ ش: ۲۵۳.

تضعیف بنیان خانواده است (ر.ک: فضل الله، ۱۳۸۴: ۲۵۳ تا ۲۵۷؛ اشتري، ۱۳۸۳: ۲۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۱۹۰). همان‌طور که گذشت، قرآن کریم برای جلوگیری از اینکه قانون چندهمسری دستاویزی شود برای شهوت‌رانی مردان و ظلم و تعدی به زنان، تعدد زوجات را به رعایت عدالت، مشروط کرده و مردان را از ظلم و بی‌عدالتی در حق زنان نهی کرده است (نساء: ۳). براساس آیه ۳ سوره نساء، انتخاب یک زن به دوری از ستم نزدیک‌تر است و این جمله بیانگر آن است که اساس تشریح در نکاح، برپایه عدل و دوری از ستم و مراعات حقوق استوار است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۱۶۹). به همین دلیل، شماری از اندیشمندان مسلمان، اصل را بر تک‌همسری گذاشته و چندهمسری را مربوط به وضعیت خاص اجتماعی دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۸ق، ج ۶: ۴؛ اردبیلی، بی‌تا: ۵۰۹).

به‌طور کلی، به نظر می‌رسد بهترین شیوه ازدواج، تک‌همسری است؛ هرچند سیره عملی معصومان عليهم‌السلام بر مطلوبیت چندهمسری دلالت دارد. تعدد زوجات در ازای امتیازی که به مرد می‌دهد، مسئولیت‌هایی همچون اداره یک خانواده دیگر، رعایت عدالت و... را بر عهده او می‌گذارد؛ چنانکه در روایات نیز، همسران را مسئول رفتار ناهنجار زن دانسته‌اند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴: ۱۸۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه گیری

با تأمل در مباحث بیان شده، این نتایج به دست می آید:

- مقصود از عدالت، ایجاد مساوات و موازنه است؛ به طوری که هر کس یا هر چیز در جای واقعی خود که مستحق آن است، قرار گیرد.

- عدالت در چندمسری در حوزه عدالت فردی و حق انسان بر انسان است. جواز چندمسری، مطلق و بدون شرط نیست، بلکه براساس آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء به رعایت عدالت مشروط شده است. این شرط در قرآن کریم بدون هیچ توضیحی آمده است. معصومان علیهم السلام مقصود از این عدالت را عدالت در قسم و نفقه معرفی کرده اند و با استناد به آیه ۱۲۹ سوره نساء و با این توضیح که تکلیف به امر ارادی تعلق دارد و میل قلبی در اختیار و اراده انسان نیست، عدالت باطنی را (که عدالت در محبت قلبی است) از شروط عدالت در چندمسری ندانسته اند. بدین ترتیب، اسلام تعدد زوجات را بر هر کسی واجب نکرده است، بلکه در طبیعت افراد و عوارض و مفاسدی که بر آنها عارض می شود، نگریسته و بنا بر مصلحت اجتماع انسانی، تعدد را تجویز کرده و برایش قید عدالت را قرار داده است تا تمام مفاسد این ازدواج را بردارد.

- به نظر می رسد در فرهنگ ایرانی، تک همسری بهترین شیوه ازدواج برای رعایت عدالت و مراعات حقوق در نهاد خانواده است.



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابي جمهور، محمد بن زين الدين (۱۴۰۵ق)؛ *عوالي اللئالی العزیزية فی الأحادیث الدینیة*؛ تحقیق مجتبی عراقی؛ قم: دار سید الشهداء للنشر.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)؛ *من لا یحضره الفقیه*؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)؛ *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین.
۵. اصفهانی، عمادالدین حسین (۱۳۶۶)؛ *زنان پیغمبر اسلام، حقوق زنان*؛ چ پنجم، تهران: محمد.
۶. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)؛ *معجم مقاییس اللغة*؛ تحقیق عبدالسلام محمد هارون؛ قم: مکتب الاعلام الإسلامی.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)؛ *لسان العرب*؛ چ سوم، بیروت: دار صادر.
۸. ابوزید، نصر حامد (۲۰۰۷م)؛ *دوائر الخوف: قراءه فی خطاب المرأة*؛ بیروت: مرکز الثقافی العربی.
۹. اردیلی، احمد بن محمد (بی تا)؛ *زبده الیابان فی أحكام القرآن*؛ تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۰. ارسطو (۱۳۸۵)؛ *اخلاق نیکوماخوس*؛ ترجمه محمد حسن لطفی؛ تهران: طرح نو.
۱۱. اشتري، بهناز (۱۳۸۳)؛ «نهاد چندهمسری؛ ضرورت های بازنگری»؛ ماهنامه حقوق زنان؛ ش ۲۴، ص ۲۰ تا ۲۲.
۱۲. جوادى آملی، عبدالله (۱۳۸۹)؛ *تفسیر تسنیم*؛ قم: اسراء.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)؛ *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۴. حسینی مرعشی، اسماعیل بن احمد (۱۴۲۲ق)؛ *اجماعیات فقه الشیعة واحده الأقوال من احکام الشریعه*؛ قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوی.
۱۵. دشتی، حسین (بی تا)؛ *معارف و معاریف*؛ تهران: مفید.



۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳)؛ لغت‌نامه؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)؛ المفردات فی غریب القرآن؛ تحقیق صفوان عدنان داودی؛ دمشق: دارالعلم الدار الشامیه.
۱۸. رشیدرضا، محمد (بی‌تا)؛ تفسیر القرآن الکریم الشهیر بالمنار؛ چ سوم، بیروت: دارالفکر.
۱۹. شرف‌الدین، حسین (۱۳۹۶)؛ ارزش‌های اجتماعی از منظر قرآن کریم؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۰. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (بی‌تا)؛ نهج البلاغه؛ ترجمه حسین انصاریان؛ قم: دارالعرفان.
۲۱. صدر، حسن (بی‌تا)؛ حقوق زن در اسلام و اروپا؛ تهران: جاویدان.
۲۲. صفایی، حسین و اسدالله امامی (۱۳۷۶)؛ فقه حقوق خانواده؛ تهران: دادگستر.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا)؛ تعدد زوجات و مقام زن در اسلام؛ تهران: آزادی.
۲۴. _____ (۱۴۱۷ق)؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۶. _____ (۱۳۸۸ق)؛ المبسوط فی فقه الإمامیه؛ تحقیق محمدباقر بهبودی؛ تهران: المکتبه المرتضویه.
۲۷. _____ (۱۴۰۷ق)؛ تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه؛ تحقیق حسن الموسوی خراسان؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۸. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)؛ الفروق فی اللغة؛ بیروت: دارالافاق الجدیدة.
۲۹. علی، جواد (بی‌تا)؛ المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام؛ بیروت: دارالعلم للملایین.
۳۰. علی‌خانی، علی اکبر (۱۳۸۲)؛ «عدالت قرآنی در اندیشه نصر حامد ابوزید»؛ تهران: مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۴، ص ۱۲۱ تا ۱۳۸.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۱۰ق)؛ العین؛ چ دوم، قم: هجرت.
۳۲. فضل‌الله، محمدحسین (۱۳۸۴)؛ اسلام، زن و جستاری تازه؛ ترجمه مجید مرادی؛ قم: بوستان کتاب.



۳۳. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر؛ قم: مؤسسه دارالهجره.
۳۴. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)؛ قاموس قرآن؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)؛ الکافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۷. مشکینی، علی (۱۴۲۸ق)؛ مصطلحات الفقه؛ چ چهارم، قم: مؤسسه الهادی.
۳۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸)؛ اخلاق در قرآن؛ چ سوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)؛ سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام؛ چ نهم، تهران: صدرا.
۴۱. _____ (۱۳۵۷)؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ چ هشتم، تهران: صدرا.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴)؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۳. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ق)؛ اسباب نزول القرآن؛ بیروت: دارالکتب العلمیه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

